

## بال‌های بایگانی



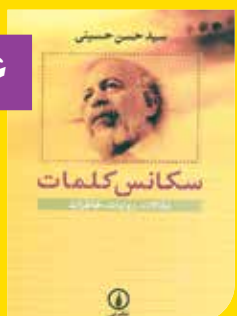
زیست مداوم سیدحسین حسینی در ساحت واژه شعر او را در خلوتی متعالی به کشف رمزهای ناشناخته رسانده است. «بال‌های بایگانی» در ردیف همین کشف‌های متعالی شاعر است. مجموعه‌ای از شعرها و سروده‌ها که بخش اعظم آن برای نخستین بار منتشر می‌شود. تنوع قالب‌های شعری در این کتاب نشانه‌ای از ذوق شاعر در قالب‌های متفاوت است که پیشتر نیز طبع آزمایی‌های موفقی از آن داشته است...

## طلم سنگ



کتاب حاضر شامل مجموعه‌ای مرکب از شعر و نثر گذشته و امروز درباره حماسه کربلا است که در ده عنوان مجزا ارائه شده است. محتوا و مفهوم نوشته‌های عاشورایی سیدحسین حسینی دربرگیرنده مطالبی چون جاودانگی و ماندگاری نام و... است. حسینی در این مجموعه به سیر و سیاحتی دیگرگونه دست می‌یازد...

## سکانس کلمات



شامل مقالات، ترجمه‌ها و خاطرات سیدحسین حسینی است که با تنظیم، تدوین و مقدمه دکتر سعید یوسف‌نیا شاعر و محقق معاصر جمع‌آوری شده است. مطالب کتاب در پنج بخش با عنوان‌های «یادداشت‌ها و مقالات»، «روایت‌گونه‌ها»، «ترجمه‌ها»، «کوتاه‌نویس‌ها» و «خاطرات و یادداشت‌ها» تنظیم شده است. در واقع هر بخش از «سکانس کلمات» در ادامه‌ی فعالیت‌های حسینی در زمینه‌هایی متخلف است. یادداشت‌های کتاب در رده‌ی نثرهای ادبی حسینی جای می‌گیرد...

که میان شعر بیدل و سپهری ارتباطی هست یا اینکه شعر و سینما به هم مربوطند. چیزهایی که در حالت عادی به ذهن پژوهشگران پخته‌خوار ما نمی‌رسد. البته که تحقیق کردن در این فضاهای تازه و بکر، بسیار سخت‌تر است. هم تلاش و مطالعه بیشتری می‌خواهد و هم خود محقق باید زمینه‌هایی برای به سرانجام رسیدن کار داشته باشد.

«بیدل، سپهری و سبک هندی» که در سال ۱۳۶۷ از چاپ بیرون آمد، نخستین اثر پژوهشی مستقل حسینی بود اما او در حوزه پژوهش‌های ادبی باز هم کارهای دیگر و ماندگاری کرد. «مشیت در نمای درشت» که در اوایل دهه هفتاد منتشر شد، به مقایسه ادبیات و سینما از منظر معانی و بیان، می‌پرداخت که باز هم به نظر درباره این اثر منحصر به فرد به اندازه کافی حرف زده نشده است. حسینی در دهه هشتاد یک گزیده شعر منتشر کرد که در آن شاعر با ایجاد فاصله‌گذاری معنایی میان دو مفهوم جنگ و دفاع مقدس، به انتخاب، توضیح و نقد شعرهای این دو دوره پرداخت و مثل همه کارهای سیدحسین حسینی، این کتاب بحث‌برانگیز شد. می‌دانیم که او قبل از مرگ مشغول پیگیری و طرح‌ریزی کار تحقیقی مهمی در زمینه سبک‌شناسی «قرآن» بوده است، کاری که فقط خود او می‌توانست آن را تدوین کند و بنویسد؛ چراکه بخش مهمی از این گونه پژوهش‌های حسینی مختص او و فکر خلاق و ایده مخصوص و منحصر به فرد خود او بود و دیگری با دیگرانی نمی‌تواند آن را ادامه بدهند و حسرت بر زمین‌مانند این پژوهش بزرگ به دلیل مرگ شاعر، جاودانه خواهد ماند.

حسینی البته در تمام این دوره‌ها، به ترجمه آثار مختلف به خصوص از زبان عربی مشغول بود و دو کتاب «نگاهی به خویش» که به مصاحبه با شاعران و نویسندگان معاصر عرب، همراه با موسی بیدج می‌پرداخت و کتاب «شعر و آینه» که ترجمه کتاب «فن الشعر» احسان عباس، نظریه‌پرداز ادبی عرب‌زبان بود، از او منتشر شده است.

### شاعری که تمام نخواهد شد

آنچه می‌خواستیم درباره سیدحسین حسینی بر آن انگشت بگذاریم همین دو خصلت او بود. او البته خصوصیات و ویژگی‌های دیگری هم داشت. پُرکار اما پراکنده کار بود، بسیار به آنچه اعتقاد داشت، پایبند بود و البته صریح و گاهی هم تلخ بود. ولی چیزی که او را پایان‌ناپذیر می‌کند، خصلت جست‌وجوگری و دنبال کردن فضاهای تازه و بازکردن عرصه‌های نو به روی شاعران است. از «گنجشک و جبرئیل» به بعد هر شاعری بخواهد در حوزه شعر مذهبی و عاشورایی، شعر مدرن بگوید، وامدار کاری است که حسینی در دهه هفتاد کرد، البته که در این حوزه شاعرانی مانند طاهره صفارزاده و علی موسوی‌گرمارودی پیشکسوت حسینی بودند، اما حسینی توانست مهر نام بلند خود را بر پیشانی شعر مذهبی مدرن چنان بکوبد که تجربه‌های پس از خود را تحت الشعاع شعرش قرار دهد. باز در زمینه شعرهای کوتاه طنز، در زمینه قطعات کوتاه نثر که با تجربه کاریکلماتورهای پرویز شاپور متفاوت بودند، در حوزه رباعی نو و البته در ادبیات اعتراضی نام سیدحسین حسینی چنان قاطع و چنان ماندگار است که هر شاعری پس از او وارد این حوزه‌ها شود، وامدار کارهای اوست. به همین دلیل معتقدم بعد از مرگ حسینی، او تمام نشده است و در شعر ما همچنان حضور دارد، اتفاقی که برای هر هنرمند بزرگی روی خواهد داد.



خاصیت جست‌وجوگری حسینی در کنار دوستانی که در آن زمان در حوزه هنری پیدا کرده بود، سرانجام نتیجه خود را بر جریان رباعی امروز گذاشت و آنان توانستند در یک دوره زمانی خاص، رباعی را زبر و رو کنند و حال‌وهوایی تازه به این قالب ببخشند. نقش خود حسینی در این جریان، از همه بیشتر بود و برخی از رباعی‌های او در آن زمان، ماندگار شده و هیچ وقت کهنه نمی‌شوند

زمان، ماندگار شده و هیچ وقت کهنه نمی‌شوند: کس چون تو طریق پاکبازی نگرفت بازخم نشان سرفرازی نگرفت زین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت حیثیت مرگ را به بازی نگرفت! یا:

آنان که به خلق و خوی اسماعیل اند در حادثه، آبروی اسماعیل اند در گفتن لبیک به پیغمبر تیغ بی‌تاب‌تر از گلولی اسماعیل اند

اما حسینی در طول سال‌های فعالیت ادبی خود، به یک زمینه خاص محدود نشد. اولین تأثیرگذاری جدی او بر فضای شعر بعد از کتاب اولش، انتشار «براده‌ها» بود که مجموعه‌ای از تأملات اجتماعی و ادبی در قالب جملات کوتاه و پرمغز بود، کاری که او بعدها آن را یک سال قبل با انتشار «حمام روح» برگزیده‌ای از آثار جبران خلیل جبران آغاز کرده بود و این کار را ادامه داد تا چندین سال بعد به «نوش‌داروی طرح ژنریک» رسید که تجربه‌ای جدید در حوزه شعر با زبانی طنز بود که با تفکری انتقادی به فضای ادبیات و جامعه می‌پرداخت.

به موازات تجربه‌های جدید حسینی در شعری که با زبانی طنز، گره خورده است، او توانست جست‌وجوگری خود را در فضای جدی شعر نیز پیش ببرد تا اینکه از دل این جست‌وجوگری‌ها، مجموعه «گنجشک و جبرئیل» بیرون آمد که در آن مفاهیم مذهبی و مضمون‌های عاشورایی در قالب شعرسپید عرضه شده بود و برخی آثار این مجموعه، در زمره کارهای ماندگار ادبیات ما ثبت شده است: تو آن راز رشیدی / که روزی فرات / بر لب ت آورد / و کنار درک تو / کوه از کمر شکست...

در سال‌های بعد، حسینی دوباره به رباعی برگشت و تجربه‌هایی در زمینه رباعی با تصویرهای تجریدی داشت که مجموعه رباعی‌های او با ردیف «در آینه» از این جنس‌اند و تا جایی که من بررسی کرده‌ام درباره این رباعی‌های او هنوز کار منسجمی انجام نشده است. آخرین اثرگذاری جدی روحیه جست‌وجوگر شاعر، به مثنوی بلند «آب‌ها و مرداب‌ها»، برمی‌گردد که در آن شاهد چند تجربه در کنار هم هستیم، استفاده از وزن بلند و کم‌سابقه، لحن سنگین و کند شعر که با تصویر سینمایی که قرار است شاعر در شعر بسازد هماهنگ است و احساس دیدن یک فیلم اسلوموشن را به آدم می‌دهد، تصویرهای پی‌درپی و از همه مهم‌تر لحن تند و انتقادی شعر:

ماجرای این است کم‌کم کمیت بالا گرفت جای ارزش‌های ما را عرضه کالا گرفت احترام «یاعلی» در ذهن بازوها شکست دست مردی خسته شد، پای ترازوها شکست فرق مولای عدالت بار دیگر چاک خورد خطبه‌های آتشین متروک ماند و خاک خورد...

### پژوهشگری شاعر مسلک

جست‌وجوگری و راضی‌نشدن به رفتن در مسیرها و عرصه‌هایی که دیگران در آن قدم زده‌اند، تنها در شعرهای سیدحسین حسینی مشهود نیست. او در عرصه تحقیق هم همین گونه بود. سوزهای جدید شکار می‌کرد، به دنبال موضوعاتی می‌رفت که به ذهن هر کسی نمی‌رسید. مسأله‌هایی که برای او در عرصه پژوهش به وجود می‌آید، مثل شعرش تازه و مختص به خود او بود. او پژوهش را هم مانند عرصه فعالیت خلاقه ادبی و هنری می‌دید و سعی می‌کرد به جای ادامه‌دادن راه دیگران و ره چنان رفتن که رهروان رفتند، نوآوری کند، مثلاً به فکرش می‌رسید